

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنګ راد

۱۱/۰۲/۰۸

در یادمان رستاخیز سیاهکل (۱۹ بهمن ۴۹)

و

قیام توده‌ئی (۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷)

سیاهکل چهل ساله شد و در حول و حوش این رویداد، صفحات بی‌شمار، داستان‌ها، کتاب‌ها و شعرها نوشته و سروده شده است. رویدادی که بخش عظیمی از تاریخ پرثمر جنبش کمونیستی ایران را به خود اختصاص داده است. حماسه‌ای که بعد از گذشت چهار دهه از عمر آن، مملو از سخن‌ها و گفته‌های آموزنده است. روزی که تعدادی از کمونیست‌های راستین به جنگ با نظام دیکتاتوری خشن و عریان حاکم بر جامعه‌مان برخاستند و فصل نوینی از تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمت‌کشان ایران را کشودند.

به بیانی حقیقی اهمیت سیاهکل را نمی‌توان صرفاً در غرش مسلسل‌های کمونیست‌ها توضیح داد بلکه بایست و می‌باید در تبیین راه و روش نوین مبارزاتی و باور عمیق آنان، در انجام وظایف کمونیستی جست و جو نمود. اگر چه سیاهکل شکست خورد؛ اما از خود سنن مبارزاتی نوین و گرانبهایی را بر جای گذاشته است که قابل کتمان نیست. این روزها می‌توان ده‌ها "ایراد" به راه‌اندازان نبرد مسلحانه سال چهل‌ونه گرفت؛ می‌توان آن‌روز را مصادف با به "کج‌راه" رفتن جنبش کمونیستی ایران قلمداد نمود و می‌توان رزمندگان سیاهکل را به "ماجراجویانی" نسبت داد که هدفی جز "قهرمان پروری" در سر نداشتند؛ اما خلاف افکار کهن و ورشکسته مشاطه‌گران، فرصت طلبان و بی‌عملان، آنان در سیاهترین دوران نظام شاهنشاهی، حرکت انقلابی را سازمان دادند که در جنبش کمونیستی ایران بی‌نظیر بود. حماسه‌سازان سیاهکل در عمل به اثبات رساندند که پیشرفت و ثمربخشی انقلاب ایران بدون دخالت‌گری‌های عملی کمونیست‌ها ناممکن می‌باشد. بی‌دلیل هم نبود که تعرض به دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان را در دستور کار خود قرار دادند و بر این امر اصرار داشتند: "برای این‌که باقی‌مانیم، مجبوریم تعرض کنیم".

با این تفاسیل بی‌مناسبت نیست تا در سالروز رستاخیز سپاهکل [نوزده بهمن چهل‌ونه] و قیام توده‌ئی [بیست و یک و بیست‌ودو بهمن پنجاه‌وهفت]، سؤالات چندی را در مقابل خود قرار دهیم مبنی بر این‌که تعبیر انقلابیون از نقش و انجام وظایف کمونیستی در چیست؟ این سؤال را در مقابل خود قرار دهیم که موقعیت و تفاوت جنبش کمونیستی دههٔ چهل و پنجاه، با شرایط فعلی در چیست؟ به این سؤال نگاهی بیندازیم که سازمان و جریان مدافع منافع کارگران و زحمت‌کشان با انتخاب کدامین نوع، کاری و سازماندهی قادر به آزادسازی انرژی‌های نهان و آشکار کمونیست‌ها و جنبش‌های اعتراضی – مردمی‌ست؟ به این سؤال پاسخ دهیم که چرا دافعهٔ نیروها و سازمان‌های کمونیستی، به‌مراتب فراتر از جاذبه است و چرا این‌روزها نگاه توده‌های ستمدیدهٔ ایران نسبت به اعمال و رفتار سازمان‌های کمونیستی – انقلابی، نگاه بی‌تفاوتی‌ست؟ و

آشکار است که آرمان کمونیستی، تعبیر و تفاسیر دیگری از نقش و انجام وظایف کمونیست‌ها در قبال جنبش‌های اعتراضی و حاکمین زورگو دارد. تعبیری که دهه‌هاست از جانب سازمان‌های کنونی – عملاً – به کنار گذاشته شده است و چشم‌اندازی در بیان صریح مقوله‌های پایه‌ئی وظایف کمونیستی نیست. به بیانی واقعی‌تر تاریخ مبارزات دیگر کمونیست‌های دنیا و به ویژه رزمندگان سپاهکل، حکایت از اتخاذ سیاست‌ها و تاکتیک‌های دیگری دارد. چهار دههٔ قبل، مدعیان حقیقی – و نه ادعائی – منافع توده‌های محروم بر این امر اصرار داشتند که همگانی شدن ایده‌های کمونیستی بدون فعالیت مستقیم آنان ناممکن می‌باشد و بر این باور بودند که ریشهٔ جانپان بشریت با مبارزهٔ رو در رو و سازمانیافته، خشکانده خواهد شد. بر این ایده مصر بودند که دستیابی به حقوق پایه‌ئی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و به تبع آن، درک و فهم صحیح و ناصحیح سیاست‌ها، ربط مستقیمی با پراتیک انقلابیون و کمونیست‌ها دارد. بر مبنای چنین باوری بود که پیشگامان انقلاب پرچم سازمان متناسب با جامعه را برافراشتند و در عمل به اثبات رساندند که "جزیرهٔ ثبات و آرامش" سرمایه‌داران را تنها و تنها با نیروی مسلح می‌توان در هم ریخت و توده‌ها را مورد خطاب قرار داد.

بر این اساس و در زمانی که رژیم شاهنشاهی به یمن دستگاه‌های سرکوبگر و سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، سر مست از فقدان تحرک انقلابی – کمونیستی سازمانیافته در درون جامعه بود، حمله به پاسگاه سپاهکل در دستور کار قرار گرفت. بعد از آن پلیس و ساواک به هر سوراخ و سنبه‌ای سرک می‌کشیدند تا هر گونه رد پا و زنجیره‌های ارتباطی فیمابین روشن‌فکران و کمونیست‌ها را کشف و قطع نمایند؛ بر بگیر و ببندها و بر وظایف شکنجه‌گران و مأموران امنیتی خود در درون زندان‌ها و جامعه شدت بخشیدند تا مانع رشد و رادیکالیزه شدن اعتراضات توده‌ئی گردند.

جنگ فیمابین طبقهٔ ضد انقلاب و کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان شکل تازه‌ای به خود گرفت. از یک‌طرف رژیم در صدد کشف و سرکوبی نیروهای انقلابی – کمونیستی بود و از طرف دیگر کمونیست‌های راستین، با علم و پایبندی به قواعد اولی مبارزه، بر تحقق آرمان‌های میلیون‌ها انسان محروم مصر بودند. چرا که به زعم آنان باوری به مقوله‌هائی همچون انجام وظایف کمونیستی، ختنی سازی سیاست کشف و پیگرد رژیم، صدمه زدن به ارگان‌های سرکوبگر دشمن، ارتباط و رادیکالیزه نمودن اعتراضات و مبارزات توده‌ها و ترویج افکار کمونیستی نه در کرنش از وضعیت موجود بلکه در اتخاذ سیاست تعرضی معنا و مفهوم می‌یابد. امر مهم و اساسی که این‌روزها از جانب نیروها و احزاب کمونیستی، به کنار گذاشته شده است.

به بیانی ساده‌تر نمی‌توان از یکسو ادعای تغییر جامعهٔ ایران را در سر داشت و از سوی دیگر به‌مدتی طولانی، سیاست دوری از جامعه و بی‌عملی را اتخاذ نمود؛ نمی‌توان از یک‌طرف ادعای مبارزه با تعرض کنندگان به جان و

مال کارگران و زحمت‌کشان را در سر پروراند و از طرف دیگر سیاست تسلیم و سازمان دادن انقلاب از راه دور را انتخاب نمود. تعابیر و انجام وظایفی که کمترین خوانائی با آرمان‌های کمونیستی ندارد؛ انتخاب و روشی که در تخالف با کمونیست‌های دههٔ چهل قرار دارد و مهم‌تر از همهٔ این‌ها، بی دلیل هم نیست که، جامعهٔ ایران، شاهد بالندگی و پیشروی افکار کمونیستی در درون نمی‌باشد.

واضح است که عیار سازمان جدی با فعالیت‌های روزمرهٔ آن تعریف می‌گردد و پر واضح است که نگاه و توجه توده و نسل کنونی، در اعمال و رفتار کمونیست‌ها نسبت به طبقهٔ ظالم، نهادها و ارگان‌های وابسته به آنان نهفته می‌باشد. در حقیقت نیروی کمونیستی بدون دخالت‌گر، نیروی پر نشاط و سر زنده نیست و واضح است که بدون سنگ‌اندازی در ماشین و دم و دستگاه‌های حافظ بقای سرمایه‌داران، نمی‌توان کلامی از رهایی و نجات استثمار شونده‌گان به میان آورد. این‌ها آن خلاءهای اساسی است که در درون جامعه و آن هم به مدت طولانی سایه انداخته است و طبعاً بدون باوری عمیق به نقصان‌های کاری و بدون پشت‌پا زدن به منفعت‌های سیاسی – تشکیلاتی و بدون رد سیاست‌ها و تاکتیک‌های ناصحیح، سخن گفتن از پیشرفت و جذب بیهوده است. لازم است تا شکست‌ها و نافرجامی‌ها را با کشاده‌روئی تمام تقبل نمود و در صدد انتخاب سیاست‌ها و تاکتیک‌های ثمربخش بود. متد، کار و سیاستی که کمونیست‌های راستین دوران اختناق شاهنشاهی در مقابل خود قرار دادند. بی دلیل هم نیست که اوضاع جنبش کمونیستی دوران اختناق شاهنشاهی با وضعیت فعلی نیروهای سیاسی متفاوت می‌باشد و متأسفانه باید اعتراف نمود که وضعیت فعلی نیروهای کمونیستی ایرانی بسیار در هم ریخته و مهم‌تر از آن این‌که، تشخیص تفاوت‌های عملی آنان بسیار دشوار شده است. همه [و به درجات متفاوت] به مفسران کار گشته تبدیل گردیده‌اند. سیاست‌ها اصلاً و ابداً در خدمت به تاکتیک‌های سازمانی - حزبی و در خدمت به تغییر جامعهٔ خشن و سرپا مسلح نیست. هدف‌ها و انگیزه‌ها، ترمیم خسران‌ها، رد متدها و اسلوب‌های ناصحیح و به تبع آن‌ها دنباله‌روی از سیاست‌ها و تاکتیک‌های تأثیرگذار نیست. سوءاستفاده‌های سیاسی – آرمانی به‌گونهٔ ناباورانه‌ای، نهادینه شده است. این‌روزها و در چهلمین سال‌گرد رستاخیز سیاه‌کل، از چپ، چپ، تا راست راست به میدان آمده‌اند و به تجلیل از آن می‌پردازند. در حالی که کمترین علاقه و نزدیکی سیاسی، تئوریک و عملی با آن جنبش نداشته و سی سال آزرگار است که وظیفه‌ای جز تخریب ایده‌های ظفرنمون آن رفقاء را بر عهده ندارند. نمی‌توان از یکسو، حرکت و جنبشی را مضر دانست و از سوی دیگر به تجلیل از آن پرداخت؛ همچنین نمی‌توان خود را میراثدار آن جنبش پر ثمر دانست و از دنباله‌روی آن فاصله گرفت. روشن است به همان دلیلی که جنبش و حرکت مضر، قابل دفاع و تجلیل نیست، به همان دلیل هم جنبش و حرکت انقلابی، قابل دفاع و پیگیری است.

با این اوصاف والاترین گرامی‌داشت از راه و آرمان آن رفقاء، در توضیح واقعی جایگاه سازمانی و در بیان صریح تفاوت‌های منش و اعمال رزمندگان سیاه‌کل با منش و اعمال خودی نهفته می‌باشد. در حقیقت این‌روزها جنبش‌های اعتراضی – توده‌ئی، نیازمند تحرکات سازمانیافتهٔ نیروهای مدافع خودی در مقابل سرکوب‌گران رژیم جمهوری اسلامی است. تجارب تاکنونی به اثبات رسانده است که اعتراضات و مبارزات توده‌ئی، بدون حضور و بدون دخالت‌گری‌های کمونیست‌ها، سر انجامی نخواهد داشت. توده نیازمند حمایت فوری، دائمی و روزمرهٔ انقلابیون و کمونیست‌هاست و در چنین شرایطی است که بر رادیکالیزم اعتراضاتش افزوده خواهد گردید. تجربهٔ تاکنونی و قیام توده‌ها، گواه چنین حقیقت روشنی است. مشاهده شده است که چگونه توده‌های محروم و آن هم در ملتهب‌ترین دوران سیاسی [یعنی در سال‌های پنجاه‌وشش و پنجاه‌وهفت] به حمایت از فرزندان خود برخاستند و با شعار "کارگر، دانشجو، فدائی پیوتان مبارک"، رژیم پهلوی را از تاج و تختش پس زدند. مشاهده شده است که چگونه توده و آن هم

در صفی واحد و گسترده به میدان آمد و به ندای پیشروان خود پاسخ مثبت داد. بی‌گمان فراگیری از تجارب تاریخی، تبیین و تعریف صحیح از انجام وظایف کمونیستی و توضیح راه‌های ثمربخش براندازی حاکمیت سرمایه در ایران، به نوبه خود زمینه‌ساز هر چه وسیع‌تر شدن افکار کمونیستی و به دنباله آن رادیکالیزم‌تر شدن جنبش‌های اعتراضی – توده‌ئی‌ست.

جای دارد تا در چهلمین سال‌گرد رستاخیز سیاه‌کل و سی‌وسومین سال‌گرد قیام توده‌ئی بر این نکته اشاره گردد که پیشرفت انقلاب ایران منوط به درک حقیقی از انجام وظایف کمونیستی و حضور سازمانیافته در درون می‌باشد. منوط به آن است که باورهای انقلابی – کمونیستی در درون جامعه جاری شود و سیاست تغییر، جای‌گزین سیاست تفسیری گردد. امری که در سر لوحه کار کمونیست‌های دهه چهل و پنجاه قرار گرفته بود.

۷ فیبروری ۲۰۱۱

۱۸ دلو [بهمن] ۱۳۸۹